



حمیدرضا مهدیزاده

دومین بخش از گفت و گوی میز سیاست خارجی «توسعه ایرانی» با دکتر فرشید باقریان، محقق حوزه اندیشه سیاست به بررسی تاریخ خطی آغاز روابط ایالات متحده حداقل دوره ناصری تا پایان سلسله قاجار سیری و در مواردی به چالش شدید روبه رشد در حالی که وی، خبرنگار توسعه رابه «سفیدشویی آمریکا» متهم کرد واینز تحلیل باقریان از رفتار آمریکادر دوره ناصری تابه همین امروز را منبعث از روایت دشمن سازانه ذاتی جمهوری اسلامی با واشنگتن قلمداد کرد و همین نقطه سرآغاز جدال لفظی شدید میان هر دو نفر شد که برای لحظاتی قطع گفت و گوارقمزد.

مخاطبان ارجمند را دعوت می کنیم تابه بخش دوم از واکاوی مبحث «تنازع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی» یا «تعارض هژمونیک آمریکا» به امریکابه چالش کشیده، تاریخی در میز سیاست خارجی «توسعه ایرانی» دنبال می شود،بپیوندد.

□ □ □

باقریان عزیز، در ادامه گفت وگو که هفته پیش بسیار بحث برانگیز شد البته طبیعی هم هست چون زندگی پنج نسل از مردم ایران را در تنازع ذاتی جمهوری اسلامی با آمریکا به چالش کشیده، وارد تاریخ خطی شسروغ روابط با ایالات متحده از زمان سلطنت ناصرالدین شاه تا انقراض سلسله قاجار خواهیم شد. سمواشل گرین ویل پنجاهمین (Samuel Greene Wheeler Benjamin)اولین سفیر آمریکادر ایران است و جالب اینجاست که در نخستین contact بایر خود تنش آیمیز میان دو کشور، وی به همراه دخترش در یک مراسم رسمی وارد دربار می‌شودو به دلیل مخالفت با چیدمان عوامل تشسر یفات که می‌خواستند او پشت سفیر روسیه بنشینند از محافظان کتک خورده و به بیرون کاخ هدایت می‌شود.همین امر باعث شد تاسفارت آمریکا در تهران یادداشت اعتراضی شدیدی بنویسد که در صورت عدم عذر خواهی رسمی دولت ایران، پرچم برافراشته سفارت آمریکا در تهران را پایین خواهد کشیدو به نشانه اعتراض سفیر آمریکا خاک ایران را ترک خواهد کرد اما ناصرالدین شاه با یک درایت استثنایی در درک این اقدام که خلاف عرف دیپلماتیک بود، بدون این که متوسل به عذر خواهی رسمی دولت ایران شود یا اینکه مثلا بگوید «خوب جایی را زدند!» که به معنای تایید حکومتی این اقدام باشد، یک مقرر ی بابت خسارت برای سفیر فرستادو به میرزا سعیدخان مؤتمن الملک(وزیر امور خارجه وقت) ماموریت داد که به سفارت آمریکا رفته و شخصاز گرین دلجویی کند. گرین نیز این دلجویی وزیر خارجه ایران را پذیرفت وواشنگتن تحت لوای رئیس جمهور اتفاقا جمهور یخواه چستر آلن آرتور Chester A. Arthur) واکتشی خصمانه هم در

قیال تهران نشان نداد. آیا در همین روایت آغازین از تاریخ خطی که عرض کردم شما تعارضی از سوی آمریکانسیبت به ایران رامشاهده می کنید؟

ممنون از شما. همانطور که گفتید این موضوع بسیار مهمی است و به همین خاطر تشکر می کنم بابت شروع و ادامه چنین بحثی که من هم معتقدم تاریخ بیش از ۶۰ سال معاصر مایرانیان را فقط همین موضع اشغال کرده است.به هر حال ما درباره یک ابر قدرت امیرالیا صحت می کنیم و حتی اگر معتقد به تأثیر پروانه ای هم نباشیم، ایجاد چالش با چنین ابر قدرتی تأثیر خود را بر تمام جهان خصوصا کشور ما به عنوان کشوری مهم با ارزش بالای منطقه ای و سرزمینی خواهد گذاشت و همانطور هم که شما فرمودید بحث جلوسه اول بسیار بازناب پیدا کردو حتی خیلی هاوارد نقدندو گفت وگو شدند که من هم دلیلیش را خیلی متوجه شدم چون مباحث ما تا روز ما روز آغاز خواهد شد.

خُب شما معتقدید که تعارض منافع آمریکایایران ذاتی نیست و آن را مربوط به تنازع جمهوری اسلامی با ایالات متحده می دانید. در نظر شما باید بگویم اگر تعارض منافع آمریکابا کشور ما ذاتی نباشد مطابق نظر جان لاک باید ایجاد صلح میان هر دو کشور ذاتی در نظر بگیریم که قانون اساسی آمریکا هم به تقرب بر مبنای دیدگاه او نوشته شده ولی با ریزبینی عملکر د آمریکایا این دیدگاه کاملا در تعارض است و رویکرد واشنگتن از ماکیاولیسم آغاز می شود و تابه امروز با نگاه هابز که انسان را اگر گ انسان می داند، جلورفته است. بنابراین در روند بررسی تاریخ خطی قاجار مابا مقوله ای عظیم به نام مشروطه وروبر می شویم که بر خلاف نظر عمومی، من آن را نهضت می دانم تا انقلاب. پس از مشروطه ما با استعمار انگلستان وشوروی مواجه هستیم که مطابق قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ جنوب وشمال ایران را میان خود تقسیم کرده بودند.

حال این پرسش مطرح خواهد شد چرا آمریکار خلاف دکتربین مونرو که تعهد کرده بود وارد تیمکره شرقی نشودو فقط در نیمکره غربی حضور داشته باشد، نقض استراتژی کرد و به خاورمیانه آن روز وارد شد؟

در واقع شمای خواهید بگوید مخالفت آمریکا با باقرار داد ننگین ۱۹۱۹ که نه فقط احساسات عمومی ملت ایران را سر از افشای آن خر بعهده کرد و حتی با مخالفت مطبوعات فرانسوی هم روبرو شد، ناشی از نقض دکتربین مونرو بود؟

لطفا شما اجازه بده من بحثم را تمام کنم بعد در خدمت شما هستم.

حتمنا البته لازم است یسادی آوری کنم که ما با محدودیت صفحه هم روبرو هستیم.

ببینید ما در دوره قاجار شاهد سو فصد میسیونرها واقعه همدان و حتی قتل معاون کنسولی آمریکا هستیم. واقعه مورگان سوستر و اخراج وی انتقامی که در قالب کتابش که از ایرانیان گرفت افراموش نکنیم. نبود عدالت وشفافیت وفرار مالیاتی از مواردی است که وی در کتابش با ترجمه فارسی به نام اخذختل در مورد ایرانیان عنوان کرده است. لازم است یاد آوری کنم که قتل معاون کنسولی و ماجرای سسقاخانه به پهلوی دوم مربوط است که منجر به قانون کاپیتولاسیون شد و از شمول قاجار خارج است.

در دومین بخش از گفت وگوی «توسعه ایرانی» با «فرشید باقریان» بررسی شد

«پارادایم شیفت استعمار» بود؟

بله، ممنون از یادآوری شما حال این پرسش مطرح است که چرا مبلغین مذهبی و آموزشی آمریکایی در همان قاجار مدام به شهرهایی مانند تهران، تبریز، ارومیه و همدان سفر می کنند؟ هدفشان از ایجاد مدارس نوین چیست؟ باید روی این جمله کارل کوپر تاکید کنم که باصراحت هر چه تمام تر می گوید ما به جهان سوم دو کراسی زده هنگام دادیم در حالی که لیاقتش را نداشت و همین رویکرد را آمریکامهواره مقابل ما به پیش برده است.

در واقع می خواهم در پایان همین بحث بگویم که دستور ناصرالدین شاه به امیر کبیر برای برقراری مذاکرات استامبول به منظور برقراری رابطه با آمریکا نبود بلکه می خواست با استفاده از برای از ایالات متحده، انگلستان را داور بزند. آیا آمریکایی این موضوع را نمی دانستند؟ قطعاً می دانستندو بارویکردی استعماری وار در رابطه با ایران شدند.

در باره روایت شما سازدستور ناصرالدین شاه به امیر کبیر هیچ فکت تاریخی وجسود ندارد که وی می خواست انگلستان را داور بزند نه اینکه با آمریکا به عنوان یک قدرت نوظهور وارد رابطه شود و این صرفا تحلیل شما است؛ اما از کلیت فرمایشاتان اینطور می فهمم که حمایت از آزادی خواهان آمریکایی از مشروطه ما ملت ایران مانند هوارد کانکلین بسکربول (Howard Conklin Baskerville) در

به عنوان معلم مدرسه مموریال تبریز که با حضور در جمع مشروطه خواهان و در جریان تلاش برای شکستن محاصره تبریز در این شهر کشته شد یا ایجاد مدارس نوین ایران که پایه های آموزش و پرورش فعلی کشور را بنا نهاد که البته با واکنش آخوندهای تندرو روبرو و کفر آیمیز نامیده شد مانند واکنش هر دو جداعلائی من مانند ملاغلامرضا و ملا مهدی حیدری ملایری که پدر و پسر هر دو هم مکتدبدار بودند و سیستم آموزش شان مبتنی بر چوب فلک بود و قرآن تفر آن کمی هم حساب رابه پای رویکرد استعماری آمریکای می گذارید؟

آقای مهدیزاده، به نظر من بهتر است بنده سوال کنم و شما پاسخ دهید. شما چرا به دنبال سفیدشویی ناصرالدین شاه یا سفیدشویی آمریکا هستید؟ ناصرالدین شاه یکی از فکایت ترین پادشاهان ایران است که عروسک خیمه شب بازی ملکه مادر مدهلیا بود و به دستور وی بسردار اصلاحات ایران میرزا تقی خان امیر کبیر را کشت. چرا او را سفید می کنید و قاتل هستید که سیاست خارجی وی مثبت بود؟ چرا وطن خود را فراموش می کنید؟ چرا آمریکا میسیونرهای مذهبی خود را به اصفهان که مهد تشیع است، می فرستد؟ چون می خواستند که شعیبان اصفهان، تهران، تبریز، ارومیه و همدان را مسیحی کنند که پرورش آن را در پاراگرافهای بالا مطرح کردم. آیا این تعارض نیست؟ چرا خودتان را فریب می دهید؟ مگر گفتمان های ما در دوران قاجار چند هست؟ گفتمان شیعی، ملی گرایی، باستان محرو و گفتمان استعمار که جال آل احمد با کتاب غریز دگی رایتگر آن شد.

عصر منورالفکری که شما هم ظاهر از آن جریان هستید مگر غیر از مکتب هگلی است؟ و تازه این غیر از مارکسیسم است. هگلیمسوم وارکسیسم کجایش با آمریکاتوافق کرده که شما سعی در سفیدشویی آمریکا دارید؟ شمال ایران در اختیار روس هاست و روسو فیل ها مخالف شدید آمریکا، جنوب ایران در اختیار انگلستان وانگلو فیل ها مخالف آمریکا، روحانیون شیعی هم که می بینند آمریکا در حال مسیحی کردن جامعه ایران است مقابل آمریکا قرار می گیرند. شما چرا سعی می کنید این تعارض را عامدانه نادیده بگیرید؟

مگر ما مدرسه دارالفنون را ندانستیم که شما مدام روی نقش آمریکا برای پایه گذاری مدارس نوین تاکید می کنید؟ حالا یک طوری از این مدارس یادمی کنید که ماهیت استعلاعی داشتند. مگر سیستم آموزش و پرورش امروز ما برگرفته از همان مدارس نیست؟ فکت های دوران پهلوی هم چنان کوبنده است که شما دیگر نمی توانید آن را نادیده بگیرید. در عین حال اگر فکتی برای بنده در خصوص روزنر انگلستان از جانب پادشاه وجود ندارد برای جنابعالی هم فکتی دال بر برقراری معاهدات با آمریکا وجود ندارد زیرا معاهد های به سرانجام نرسید.

لازم است مجددا تاکید کنم ما توافق کرده بودیم که مناظره کنیم نه مصاحبه و نیز اتهام سفیدشویی آمریکا که من با فراموش کردن وطن از سوی شما هرگز در دست نیست و میلیون ها ایرانی در همان شروع جنگ ۱۲ روزه تعهد بنده به وطن را دیدند. درباره سفیدشویی ناصرالدین شاه هم این اتهام را ردمی کنم و او را دیکتاتور می دانم البته دیکتاتوری مترقی خواه و معتقدم که اتفاقا نگاه شما به وی برگرفته از نگاه پهلوی خصوصا رضا شاه و جمهوری اسلامی است. همان مدرسه دارالفنون هم به پیشنهاد امیر کبیر و بادستور ناصرالدین شاه ساخته شد که تازه بعد از کشته شدن امیر کبیر عملا تا زمان پهلوی از کارایی چندانی هم برخوردار نشد. انگار با پاسخ های تان مدام در حال دفاع از مکتب خانه ها و بی سوادی عمومی مردم ایران هستید؟

به نظر من شما به جای این که به بنده پند بدهید باید خودتان را التدری ونصیحت کنید. بنده ۱۰ سال قبل تر از جمهوری اسلامی، مسئله تعارض ذاتی آمریکا را مطرح کردم. اما درباره قرارداد ۱۹۱۹، چرا وثوق الدوله وانگلیسی ها؟ ماه تمام به صورت مخفیانه در استامبول نوشتن این قرارداد را پیش می برد؟



پناه بردن به «استیبل کوین ها»

همان طور که در نمودار نیز ذکر شده، یکی از راهکارهای شهروندان برای صیانت از اندک دارایی باقی مانده، پناه بردن به «استیبل کوین ها» بود. سال ۲۰۲۵ تا شاید بتوان سال «مهاجرت بزرگ به بلاکچین» نامید. اما این مهاجرت نتیجه مشخصی نداشت. بود که هنوز چیزی برای نجات دادن داشتند در حالی که میلیون ها ایرانی (طبق برآوردها حدود ۱۸ میلیون نفر) برای حفظ ارزش پول خود به صرافی های ارز دیجیتال هجوم بردند و حجم مبادلات را به ارقام میلیاردی رساندند، اکثریتی خاموش و تهیدست، تنها نظاره گر این طوفان بودند.

برای آن بخش از جامعه که هنوز توان سپاندن داشت - از کارمندو راننده تاکسی تا کاسب خرد-تتر (USDT) نقش گاو صندوق امنی را بازی کرد که ریال از ایفای آن عاجز بود. آنها سرد آمد روزانه خود را باافاصله به کدهای دیجیتال تبدیل می کردند تا از گزند تورم شایه در امان بمانند. اما واقعیت تلخ تر آنجا بود که برای خیل عظیمی از جمعیت زیر خط فقر، که در آمدشان حتی کفاف نان شب را نمی داد، بحث بر سر «انتخاب بین ریال و تتر» نبود؛ آنها باصلوبولی نداشتند که بخواهند تترگرا ن آب شندش باشند. برای این گروه، ترازدی نه در «کاهش ارزش پس انداز»، بلکه در «اتوانی مطلق در بقا» خلاصه می شد.

اما پناه بردن به «استیبل کوین ها» نیز بدون چالش نبود. در ژوئیه ۲۰۲۵، خبر مسدود شدن ۴۲ درصد بزرگ تتری مرتبط با کاربران ایرانی توسط شرکت مامدرشکو، بزرگوار دکر داین اقدام که تحت فشار تحریم های آمریکا صورت گرفت، بر گترین مسدودسازی تاریخ کرپتو در ایران بود. اما جامعه ایران که طی دهها «تعطیل پذیری» آموخته بود، به سرعت واکنش نشان داد. کوچی هوشمندانه از تتر به سمت دای (DAI) وسایر استیبل کوین های غیر متمرکز که قابل سانسور نیستند، این تغییر رفتار نشان داد که اعتماد عمومی به طور کامل از «تهاد دولت» و حتی «تهاد های متمرکز مالی» عبور کرده و به «کدهای ریاضی» پناهمر داست.

محیط طبقه متوسط

سقوط ارزش پول ضربه ای مستقیم بر بیکر معیشت خانوار فرمی و ردد اثرات روانی واجتماعی بسیار هولناکی دارد. آمارهای دسامبر ۲۰۲۵ تصویر

شماره ۲۰۲۸ / شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۴ / ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۴۷ / ۲۰ دسامبر ۲۰۲۵



چجست؟! چرا شما مدام روایت جمهوری اسلامی در شیطان سازی آمریکا را پیش می برد؟ ضمنا با شما موافقم که بخش اعظم اطلاعات خود را از مطالعه کتاب های به دست آور دهم تا دانشگاه.

اولا لطفا شما هم مدام جمهوری اسلامی فکت نیابرد چون هنوز به آن مبحث وارد نشده ایم تا نیا اتهام شما به بنده بابت پیش بردن روایت جمهوری اسلامی در شیطان سازی آمریکا رانه تنهائمی کردیم که پای ادعای خود، ناظر به سفیدشویی از آمریکای بیستم.

آقای باقریان، اجازه بدهید! بنظور نمی شود با بر چسب زنی به همدیگر مناظره را پیش ببریم. برای سوال پایانی بخش دوم، آیا می پذیرد که آمریکای قاجار با آمریکای پهلوی و حتی جمهوری اسلامی متفاوت است؟ آمریکای قاجار که هنوز ابر قدرت جهان نبود. آیا هیچ نقشی در توسعه ایران فجری حداقل ناصرالدین شاه تا پایان احمدشاه چه در صنعت پست وتلگراف، چه راه آهن، چه مدارس نوین چه مالیات و گمرکات، برای آمریکائان نیستید؟ می پذیرم که آمریکای قاجار متفاوت از آمریکای پهلوی و جمهوری اسلامی است چون هنوز ابر قدرت نشده اما رفتارش در قاجار کاملا نشان می دهد که در حال تمرین ابر قدرتی است. در واقع ورود امریکابه ایران حداقل دوران ناصری تا پایان سلسله فجری را دایم شیفت استعمار است. امریکآمده که جایگزین استعمار روسیه وانگلیس در ایران شودو شما نتایج آن را از شروع حکومت پهلوی اول تا سقوط محمدرضاشاه بخوبی مشاهده می کنید. **قضاوت این گفت و گوی ما با مخاطبان و ممنون از شما بابت بخش دوم.** سربلندباشید.

گزارش

گزارش تکان دهنده صندوق بین المللی پول: ایران سومین اقتصاد روبه زوال جهان در ۲۰۲۵

۸۰ درصد ایرانی ها زیر خط فقر جهانی اند



نمودارهای تازه صندوق بین المللی پول در واقع واقعیتی تلخ بر می دارند: ایران در سال ۲۰۲۵ در جمع سه کشوری قرار گرفته که پول ملی شان با بیشترین شتاب سقوط کرده است. سقوطی که به زبان ساده به معنای نابودی حدود یک سوم دارایی شهروندان از مسیر تورم و چاب پول است. پدیده ای که برای مردم، چیزی جز «ردی سیستماتیک نیست.

به گزارش رویترز، ۱۲۴٫۱ درصدیخواهیم فاجعه اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۵ رانه با بعد و نمودار، بلکه با تجربه زیسته مردم توضیح دهیم، کافی است یک سؤال ساده پرسیم:

اگر ابتدای سال ارزش پس انداز شما معادل ۱۰ دلار بود امروز چه چیزی از آن باقی مانده است؟ پاسخ برای شهروند ایرانی تکان دهنده است: ۶۹ دلار. سال ۲۰۲۵، سال هزیمانی بحران ها بود: بازار گشت فشار حاکمتری جنگ کوتاه اما پر هزینه شدن مکانیسم ماشه، فروپاشی بازار ارز، هجوم به طلا و رمزارز، محیطی به متوسط و گسترش فقر مطلق. آنچه در ادامه می خوانید، روایت عدی و سواسنی همین فروپاشی است: روایتی از اقتصادی که دیگر حتی توان حفظ ارزش دستر منجر در دشمار ندارد.

صندوق بین المللی پول در باره اقتصاد ایران چه می گوید؟

نمودار پیش رو بر اساس داده های صندوق بین المللی پول ترسیم شده است و کشورهایی را به تصویر می کشد که پول ملی شان با بیشترین شتاب در مسیر سقوط قرار دارند در میان اقتصادهای روبه زوال جهان. ایران در رتبه سوم این جدول جای گرفته است.

تصویر بر گرفته از گزارش وضعیت اقتصاد جهانی صندوق بین المللی پول - اکتبر ۲۰۲۵

معنای این جایگاه و این آمار، روشن و واضح است و بدان معناست که نزدیک به یک سوم اموال شهروندان از طریق سارو کار تورم و چاب سانسکس بدون پشتوانه، دود شده و به هوارفته است. در اقتصاد این پدیده را «مالیات تورمی» می نامد. اما این پدیده برای شهروندی که رنج بحران اقتصادی را برگرده دارد روز سلر و هر ماهر قادر فقیر تر شدن است. نامی بسیار دقیق تر و گویاتر دارد: «ردی». بله، ردی یک سال گذشته، دولت حدود ۳۱ درصد از دارایی های شهروندان ایرانی را از دست داده است.